

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی
۲۹.۱۲.۰۸

به جای مقدمه:

زبان نبشته امروز را از نظر پرسى "جرمن آنالین" فرا گرفته ام، امید است آنهایی که از اخلاق نویسندگی حرفی به میان می آورند یا پا پیش گذاشته تمام فحاشان بی آزر "جرمن آنالین" را در گام نخست مورد انتقاد قرار دهند و یا اینکه خفقان گرفته، این چنین نصایح را نزد خانواده خویش تقریر نمایند شاید نزد علیا مخدره ها خریداری بیابد. امیدوارم لحن امروزی نوشته وطن فروشان سه جهانی و خروسجفی و حامیان "گرمابه" رو آنها را سر عقل آورده از این به بعد بحث سیاسی را با دشنام ترکیب ننمایند و فکر نکنند که دیگران دشنام بلد نیستند. اگر پای دشنام دادن به میان آید از این به بعد چنان دشنام های نابی خواهید شنید که صد رحمت به دشنام های "دریادلی" بفرستید.

وحدت عمل رویونیست ها بر محور "شورای انقلابی"

حدود دوهفته سایت انقیاد طلبان "جرمن آنالین" آبشخوری گردیده بود برای آن عده از خابنین ملی و انقیاد طلبانی که از زخم زبان و نوک قلم این قلم از مدتها بدین سو به جان آمده و نمی توانستند با اسم و رسم اصلی و یا هویت سیاسی شان به میدان آمده از کارنامه ننگین و سیاه شان دفاع نمایند. طی این مدت هریک مطابق ظرفیت و تربیت خانوادگی خود هرچه بد و بیراه در چننه داشتند، نثار این قلم نموده گردانندگان سایت انقیاد طلب "جرمن آنالین" نیز که هنوز داغ شکست های قبلی را بر دل داشته و دارند به همکاری لاشه ای متعفی از جمع "شورای انقلابی" وطن فروشان یعنی انسان بی شخصیت، جیون و معامله گری مانند سیستمی معرکه گردان آن شده بودند. چون می دانستم که یکی از اهداف نهان انقیاد طلبان از به راه انداختن چنین گرد و خاکی، این قلم و سایر دوستان را از کار اصلی ما که مبارزه پیگیر و همه جانبه علیه متجاوزین و اشغالگران دیروزی و امروزیت و می بایست تلاش می نمودیم تا بادران متجاوز "شورای انقلابی" را آنطوری که شایسته آن می باشد در گورستان تاریخ همراهی نمائیم، کمتر توجه به چرندها و فحاشی های توله سگان "خروسجف و تین سیلو پینگ" نموده راه مان را استوارانه به پیش رفتیم و برای بار اول در تاریخ سایت های انترنتی فارسی زبان با انداختن چهار مصاحبه، ده مقاله، تحلیلی، علمی و تاریخی آن روز شوم را به هم وطنان خویش معرفی داشتیم و نگذاشتیم تا عو عو چند توله سگ رویونیست ما را از کارمان بازدارد. اکنون که از جانبی آن تراکم کار اندکی کاهش یافته و از جانب دیگر فحاشان فحشانی های خاندانی را تخلیه نموده اند، به اجازه آن عده از دوستان که طی این مدت یا همبستگی خویش را با ایمیل های متواتر با این قلم و پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" اعلام داشته اند و یا یکی دو سؤالی را مطرح کرده اند که من هم می توانم به آن پاسخ دهم، مطالب چند روز اخیر را به بحث گرفته خلاف توصیه آن عده از دوستانی که نوشته اند سیستمی را لگد زدن به مانند آن است که انسان یک سگ مرده را لگد بزند و در نتیجه پای خویش را آلوده بسازد، و یا دوست دیگری که لطف نموده ضمن ابراز آمادگی به شرکت در یک پروگرام تلویزیونی به منظور معرفی سیمای مبارزاتی این قلم، نوشته است "سگ را نباید زد که پوستش خراب می شود" تصمیم گرفته ام که این مبارزه را با رویونیست های سه جهانی و خروسجفی تا زمانی ادامه بدهم که هم نقاب ریا از رخسار بی آزر سیستمی خابن و قاتل برداشته شود، هم سایر اعضای "شورای انقلابی" چنان افشاء گردند که صد لعنت بر سیستمی که آنها را در دهن مردم انداخته ارسال دارند، هم مزدوران روس سر جای خود نشسته بعد از این به فکر

خوردن نان چوپان نرفتند و از همه بالاتر انقیاد طلبان سه جاهی از " ... خوردن " خود پشیمان شده و از این به بعد بدان فکر تا شرمگاه شانرا با شتر خار مستور دارند.

و اما اینکه چرا چنین کاری را با چنان گستردگی روی دست گرفته و می خواهم بخشی از نیرویم را بر روی آن متمرکز سازم ، خلاف تصور برخی ها که فکر می کنند پای انتقام گیری از یک لاشه متعفن در میان است اساس قضیه را این نکته می سازد که تجربه نشان داد ، مبارزه آگاهگرانه در رابطه با "شورای نقلابی" ، "همکاری با رژیم های مزدور" ، "شرکت در مبارزات انتخاباتی - ریاست جمهوری و پارلمان" ، "خدمت در نهاد های امنیتی و سرکوب" و امثال آن به علاوه آنکه به قدر کافی صورت نگرفته تا مردم به آگاهی کامل در زندگی اجتماعی خویش گام گذارند، بلکه تراکم و ازدحام حوادث خونبار چنان حافظه مردم را آسیب رسانیده که در جلو چشم آنها یک قاتل و یک خاین برخاسته از "شورای انقلابی" خلقی - پرچمی جرأت می کند تا بدون آنکه به گذشته سیاه و ننگین خویش نظاره نماید، در پشت سنگر های مصنوعی دیگری آنها در عقب "زنان" خود را پنهان نموده و بر یک تن از فرزندان مقاومت مردم شلیک می کند. شلیک کردن چنین انسان ناپاکی نه تعجب انگیز است و نه هم غیر مترقبه. چه او در زمانیکه عضو هیئت رئیسه "شورای انقلابی" بوده، ده ها بار بر مقاومت مردم چنین جفیده و بر مرگ انسان هایی چون من نوعی فرمان صادر نموده است و امروز نیز از همان موضع بار دیگر می خواهد همان فرمان را صادر نماید. آنچه در این میان قابل غور و تعمق است ترسی است که برخی از روشنفکران از داخل شدن در چنین نبردی از خود نشان می دهند. یا به عبارت دیگر در حالی که یک طرف یک مبارز راه آزادی و سربلندی میهن قرار دارد و در طرف دیگر یک جلاذ وابسته به "شورای انقلابی" با تمام دار و دسته های رویزیونیستی وی، حمایت غیر فعال عناصر آزادیخواه و ضد استبداد می تواند قابل تأمل باشد. از چنین حمایت هائی می توان حدس زد که مبارزه علیه اشغالگران و متجاوزان و نوکران زرخیز آنها از قماش سیستمی جیون و سگ صفت که روزی در دربار ببرک دمیک می زند و روزی در دربار نجیب، فردای آن خاک پای مسعود زمرد فروش را سرمه چشم می سازد و پس فردای آن "خاک پای" کرزی و یا کدام سگ و سگور دیگری از قماش وی می گردد، تا هنوز در جامعه نهادینه نشده به مثابه وجدان اجتماعی مردم مبدل نشده است، ورنه در چنین مواقعی به ارسال میل های حمایتی، و به به گفتن از دور قناعت نموده خود پا به میدان می گذاشتند و به مزدوران روس و چین می فهماندند، که این ملک از خود صاحب دارد و صاحب آنها کسانیکه در راه آن خون داده اند و یا چون من نوعی هنوز هم با پارچه های "هوان روسی" باید بسازند و بسوزند، نه توله سگانی از قماش سیستمی ها و سایر تائید کنندگان میهن فروش اش.

و اما اینکه چرا چنین است اگر از جانبی بازتاب پراگندگی نیروهای مردمی می باشد از جانب دیگر ناتوانی نیروهای وطن پرست را در افشای تمام عیار جنایات و خیانت های مزدوران روس نمایان می سازد. درست به همین منظور است که بعد از این خواهم کوشید تا به علاوه افشای جنایات و خیانت های "حذخا" نقاب از رخسار سایر انقیاد طلبان و کاسبکاران نیز بردارم. اینکه در این میان چه کسانی به زباله دان تاریخ سپرده خواهند شد مشکل است از قبل آنها را مشخص نمود، مگر آنچه مسلم است از اولین کسانی که لاشه متعفن آنها در مرداب بد نامی و فرومایکی مدفون خواهد گردید ، سیستمی و یاران رویزیونیست وی با معرکه گیران "جرمن آنالین" خواهند بود.

و اما در رابطه با سؤال یکی از خوانندگان که پرسیده اند: "آقای موسوی! تا جائیکه از طرز تحلیل نویسندگان معدودی که در این شعبده بازی تهوع آور افغان - جرمن شرکت جسته اند، بر می آید به طور کلی آن نویسندگان سه طیف را شامل اند: افغان - جرمن ، نوکران روس و شعله ای های سابق. شما دلیل اتحاد عمل آنها را چگونه دیده و چرا نسبت به آن برخورد نمی کنید؟"

اگر از پاسخ قسمت آخر سؤال که در قبل پاسخ داده شد بگذریم، قسمت اول سؤال این خواننده گرانقدر و باریک بین در حقیقت اساسی ترین و کلیدی ترین مسأله ایست که می باید به تفصیل بدان جواب داد.

آنهاست که به تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی آشنائی دارند به نیکویی می دانند که این جنبش از آوان پیدایش تا امروز به علاوه آنکه به صورت مستقیم از طرف بورژوازی و مدافعان آشکار آن مورد تهاجمات همه جانبه قرار گرفته است، بزرگترین و حتا نابود کننده ترین ضربات را از جانب رویزیونیسم که در نفس خود چیزی نیست مگر یک اندیشه بورژوایی ملبس به مارکسیزم، متحمل شده است. اگر از سابقه رویا رونی که در انترناسیونال دوم که بر انگلس و بعد ها بر لنین تحمیل شد بگذریم می بینیم، که رویزیونیسم مدرن در وجود خروسچفیزم با سیاست های ضد کارگری و ضد کمونیستی آن در عرصه داخلی و خارجی ، چگونه زمینه ساز پیدایش و رشد سوسیال امپریالیسم در آن کشور گردیده و سرانجام آن نظام را در موزه تاریخ گذاشت. به همین سان در جمهوری خلق چین بعد از مرگ "مائو تسه دون" بر اساس کودتای حزبی "هاوکوفنگ - تینگ سیاو پینگ" که ظرف کمتر از یک دهه تنها ۴۰۰ هزار تن از کادرهای وفادار به کمونیسم را از میان برداشتند، با تطبیق سیاست ضد کارگری "مدرنیزاسیون در چهار رشته" آن کشور را از جاده ساختمان سوسیالیسم به طرف احیای سرمایه داری سوق داد ، مبرهن می گردد که رویزیونیسم بزرگترین و حار ترین دشمن طبقه کارگر و نمایندگان سیاسی آن بوده هیچ زمانی نمی تواند موجودیت مستقل آنها را تحمل نماید. بر همین مبنا بود که میهن فروشان خلقی پرچمی بیشتر از همه کس نسبت به عناصر آگاه و مسلح با اندیشه طبقه کارگر از خشونت کار گرفته، بیشترین اعدامها و شدیدترین شکنجه ها را نسبت به آن روا می داشت. این خائنین به طبقه کارگر اکنون نیز به نیکویی می دانند تنها کسانی که در دراز مدت می توانند بهشت رویا

های آنها را به مردم رنج دیده افغانستان کابوس یک اداره مستعمراتی معرفی دارند، و جلو غارتگری ها و جنایات آنها را سد سازند باز هم آنها را اند که یا معتقد به اندیشه پیشرو عصر می باشند و یا اینکه با شناخت دقیق و همه جانبه از آن طرز تفکر و تحلیل های شان را بر آن پایه استوار می سازند. در نتیجه برای رویزیونیست ها در شرایط کنونی هیچ دشمنی خطر ناکتر از عناصر آگاه به شمار نمی رود. چه در حالی که آنها با امپریالیزم جنایت گستر آمریکا و شرکا دست دوستی داده و به ساز آنها می رقصند، با اسلام سیاسی و سایر جنایت کاران از اخوت اسلامی صحبت می نمایند این فقط عناصر انقلابی و آگاه جامعه ماست که شجاعانه بر آنها تاخته، کرکتر انقیاد طلبانه ایشان را از و رای آرایش غلیظ استعماری به همگان می نمایانند.

اگر به مسأله در بعد داخل افغانستان نظر اندازیم، می بینیم که در اینجا نیز روند همان است که در سراسر جهان می باشد. این روند از یک جانب دشمنی و تقابل با نیروهای انقلابی است و از جانب دیگر مزدوری و میهن فروشی برای غیر. این ویژگی در مورد هر دو روند رویزیونیستی در افغانستان یعنی فرزندان خلف خروسچف و "سه جهانی" های وفادار به تینگ سیاو پینگ صدق می کند هر چند از لحاظ کمی کوهواره جنایات فرزندان خروسچف بی رقیب است. تا جایی که تاریخ ثابت نموده مناسبات آنها با قبیله های آمل یعنی پیکینگ و مسکو، مناسباتی بوده مزدور منشانه و انقیاد طلبانه بدون آنکه جرأت و یا خواست تبارز اراده خود را داشته باشند. هم جنگ و دشمنی بین آنها متأثر از دشمنی اربابان شان بوده و هم اینک دوستی آنها بر همان منوال پایه گرفته است. دوستی که پایه های آن در قرار داد "شانکهای" بین چین، روسیه و چند کشور دیگر با نقش محوری دو کشور نامبرده شده گذاشته شده است. وقتی اربابان آنها امروز به اصطلاح مردم کابل از "یک ... می زنند" آنها هم می باید به مثل ارباب از "یک ... بزنند" فرق نمی کند که "...." پارلمان اداری مستعمراتی باشد یا وزارت خانه های آن. باز هم هیچ فرق نمی که این "...." جرمن آنلاین" باشد و یا پندار. در نتیجه آنها مکلفیت دارند تا در همسویی با همدیگر حرکت خویش را عیار نموده حریفان را از بین بردارند.

به صورت مثال:

در حالی که احاد نوکران روس به صورت رسمی در نهاد های قدرت اداره مستعمراتی شرکت کرده و ضمن تبلیغ برای آن خواب برگشت به حاکمیت را این بار از طریق پارلمان می بینند و ب ه همین منظور ده ها تن از افراد مخفی و علنی آنها در پارلمان و سایر نهاد های قدرت تکیه زده اند، و همین تازگی ها در تلویزیون به دفاع از حاکمیت جبارانه و خاینانه "حدخا" پرداختند، سه جهانی ها به مثابه یک سازمانی که از جانبی تا هنوز مانند برادران فکری شان در حمام خون غسل نموده اند و چشم شان هنوز ترس دارد و از جانب دیگر مزورانه تر عمل می کنند، در حالی که به صورت رسمی ظرف این هفت سالی که کشور ما به وسیله امپریالیزم جنایت گستر آمریکا و شرکاء اشغال شده وب خش های وسیعی از میهن ما به باتلاق خون مبدل گردیده است، حتی یک سطر در رابطه با تجاوز "تائید و یا نفی" آن بیرون نداده اند، و مانند سایر انقیاد طلبان فقط برای خالی نماندن عریضه دم از مبارزه می زنند؛ در عمل در یک رقابت افسار گسیخته با دیگر انقیاد طلبان و تسلیم طلبان سر شان از تمام نهاد های قدرت به خصوص اجرائیه و مقننه بیرون شده ده ها ان جی.او از خود دارند. رویزیونیست های سه جهانی در کنار فرزندان خلف خروسچف – بریژنیف به علاوه آنکه اکنون در پارلمان نماینده می فرستند و دیگر با "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می شود" غزل خداحافظی را خوانده اند، در ده ها ائتلاف حزبی و تشکیلاتی نیز شرکت نموده، در عمل در کنار همدیگر قرار دارند. این ها بعضاً آنقدر مرتجع و کثافت شده اند که مانند "....دین" شرکت در پارلمان را مبارزه ضد امپریالیستی تبلیغ نموده به افرادی چون من نوعی که نفس شرکت در انتخابات را به معنای تائید تجاوز و خیانت به مردم افغانستان می دانند برچسب نوکری امپریالیزم می زنند. جای شکرش باقیست که این حرف از دهن "....دین" بیرون می شود. "....دین" ی که از لحاظ شخصیتی ارزش مکث را هم ندارد. سر و صدا ها و دشنام های این "سرخیل خوبان" که "خیال" کرده هنوز هم می تواند دل و "دین" از دیگران ببرد، و بعد از ماه ها نوکری و در یوزگی برای مرجع تقلیدش اسپنتای خاین و حتا کاندید کردن و ناکام ماندن در آن اکنون به فکر مبارزه افتاده با چند نقل قول می خواهد گذشته اش را جبران کند، بار دیگر حقانیت این حکم را که مچ اپورتونیست ها را گرفتن کار آسانی نیست به اثبات می رساند.

و اما چه انگیزه و محرکی آنها را وادار می سازد تا در این معرکه عنتر جرمن آنلاین گردند؟ صرف نظر از حفظ منافع فردی و رسیدن به جاه و جلال به قیمت فروش خون مردم افغانستان، توجیه عملکرد خودشان نیز مورد نظر است. آنها می کوشند با این معرکه گیری ها به چشم مردم خاک زده بدون آنکه نفس شرکت در پارلمان یک اداره مستعمراتی را مطرح نمایند، با خزیدن در عقب سنگر های پوپولیستی، تلاش خاینانه خودشان را برای رسیدن به قدرت از آن طریق توجیه نمایند. آنها می خواهند بگویند که بلی سیستم مهم نیست و باید به نقش افراد بها قایل شد. آنها از مردم می خواهند تا با اندکی "خیال" به عوض "برهان الدین" این "....دین" را در پارلمان بگذارند تا دنیا گل و گلزار گردد.

و اما جرمن آنلاین چرا؟ جرمن آنلاین خلاف آنها که فعالیت های شان به صورت عمده از معتقدات رویزیونیستی آنها مایه می گیرد به صورت کل در بند آن حرف ها نیستند. آنها تعهدات دیگری دارند و می باید به دنبال آن بروند. تعهداتی که تتی چند از آنها را به خاطر قرار داد های اقتصادی به وزارت خانه های اداره مستعمراتی کابل از قبیل

وزارت اطلاعات و فرهنگ و وزارت مالیه می کشاند، فردی دیگر از آن میان بعد از به دست آوردن جایداد قبلی در شهر نو به فکر گسترش آن افتاده و می خواهد آنرا به دست آورد، افرادی از آنها با قوای اشغالگر در کندوز به کشتار خلق اشتغال دارد - فعالیت های ارتش المان و اداره استخبارات آن کشور را در کندوز در ارتباط با همکاری های جرمن آنلاین بنا بر اهمیت آن طی یک مقاله جداگانه به بررسی خواهم گرفت. - به علاوه امید اینکه پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را ضربتی زده و آنرا چنان از کار بیندازد که قادر نباشد خیانت های آنها را آشکار سازد، می توانست محرک دیگری باشد برای "جرمن آنلاین"

سیستانی که از جانبی انسانیت بس جیون و بی عار و از طرف دیگر حمق ذاتی اش بزرگترین بلای جانش می باشد و همیشه بعد از وقت چهارزانو نشسته است، می خواهد با این شعبده بازی شرکت خود را به عنوان فرد صالح در "شورای انقلابی" توجیه نماید. - در این رابطه ضمن بررسی نوشته های این سارق بی مغز تماس خواهم گرفت. - وقتی به این تحلیل نیک نگریسته شود واضح می گردد که چرا و به چه منظوری مربع خیانت و دغا شکل می گیرد و مدت ده روز بر این قلم می تازند.

من به نوبه خود به این امر افتخار می کنم که:

- باعث افشای همکاسگی و اتحاد عمل رویونیست ها در خارج از افغانستان گردیده ام

- سه جهانی ها را از عقب پرده تزویر بیرون کشیده آنها را وادار نمودم تا با اسامی مستعار به تائید تز رویونیستی شرکت در پارلمان یک اداره مستعمراتی اعتراف نمایند.

- برای بار اول توجه همگانی را به جنایات "شورای انقلابی" جلب نموده خود فرصت یافتن تا اندکی در آن باره چیزی تقدیم مردم خود نمایم. امیدوارم این سرآغازی باشد برای یک جنبش وسیع علیه خائنان و جنایتکاران "شورای انقلابی" من جمله سیستانی کودن که جرمن آنلاین از وی به مثابه "گوساله سامری" سود جست.

- ماهیت توطئه گرانه "جرمن آنلاین" را نیز دوستان کاملاً افشاء نموده امکان خنثی نمودن توطئه های بعدی آنها افزایش یافت.

ادامه دارد